

نظر بر دو شهر تاریخی سمرقند و بخارا

اگر سمرقند سینه زرین است که در دل بخارا می‌نهد، بخارا سینه زرین است که در سمرقند و بخارا

ابوالفضل آزموده

جستجو آن را یافتند .

تیمور مرد . چند سالی گذشت و اخلاف او پایتخت را به بخارا بردند . در این شهر بزرگ یعنی سمرقند آثار و ابنیه بسیاری بیادگار مانده که بدست غلامان ، نقاشان ، سنگ تراشان و کاشیکارانی که هیچکس نام آنان را نمیداند، ساخته و پرداخته شده است که مهمترین آنها مجموعه سه بنای عظیم میدان «ریگستان» است که در سمرقند کنونی آن میدان را «گلستان» مینامند . این سه بنای عظیم عبارتست از «مدرسه شیردر» ، «مدرسه الغییک» ، «مدرسه طلاکاری» . در گذشته در تمام این مدارس علوم دینی تدریس می‌شد و میدان «ریگستان» مرکز علم و دانش بود . جالب اینجاست که در مدرسه الغییک که در سالهای ۱۴۱۷ - ۱۴۲۰ (۸۲۰ - ۸۲۳ هـ) ساخته شده تنها علوم دینی بلکه علوم غیردینی نیز تدریس میشد .

سمرقند معاصر که دارای دانشگاه ، آموزشگاهها ، تاترها و سایر تأسیسات روزگار ماست ، در مقابل ما قرار دارد ، ولی باید گفت که سمرقند تیمور نیز که زمانی پایتخت جهان بود در وسط سمرقند کنونی مانند نگینی برانگشتی محفوظ مانده و با مناظر شاعرانه ، معماریهای شرقی و مسجدهای افسانه‌ای خود زنده مانده است .

وقتی که به تاریخ گذشته این شهر نگاه میکنیم با اسامی

جغرافیدانان ، تاریخ نگاران ، شاعران و نویسندگان در قدیم شهر سمرقند را با عباراتی چون: «نقطه تابان کره زمین» ، «گوهر گرانبهای دنیای اسلام» ، «رم مشرق زمین» مینامیدند و در نوشته‌ها و آثار خود از این شهر یاد میکردند .

در سال ۱۴۰۴ میلادی (۸۰۷ هـ) تیمور لنگ که نیمی از جهان را بتصرف در آورده بود ، بردگان و غلامان ، نقاشان ، حجاران ، معماران ، کنده کاران و سنگ تراشان را به پایتخت جدید خود فراخواند تا زیباترین ابنیه را برای او بنا نهند . حکومت تیمور سرزمینهای وسیعی را دربر گرفته بود و غرور و تکبر او همانند نداشت . بنا به دستور تیمور آبادیهای اطراف سمرقند را با نامهای : قاهره ، بغداد ، دمشق و . . . نامگذاری کردند تا بزرگترین شهرهای آن عصر جهان در مقابل پایتخت تیمور دهی بحساب آیند .

در سمرقند کار ساختمانی و عمرانی به حد اعلا رسیده بود ، شهر در میان کاشیکاریهای مسجدها و استخرها غرق بود و گویی تکه‌یی از آسمان را جدا کرده و در میان زمینی زرد رنگ انداخته بودند . در اطراف این شهر سیزده باغ بزرگ وجود داشت که بزرگترین آنها «باغ جهان» بود .

بر طبق دستخطهایی که بدست آمده است این باغ به اندازه‌ای بزرگ بود که اسب معمار آن در این باغ گم شد و پس از یکماه



سمرقند - مسجد بی بی خانم

دسته‌های جانشینان اسکندر به این شهر آمده بودند. ضمن حفاریهایی که بعمل آمده معلوم شده است که در آن زمان در شهر افراسیاب لوله‌های سربی وجود داشته است که بوسیله آنها آب را به دژ میرسانیده‌اند.

شهر سمرقند در سال ۱۲۲۰ میلادی (۶۱۷ هـ) دچار ایلغار وحشتناک مغول شد. شهر در مقابل حمله مغول ایستادگی کرد و از این رو کاملاً ویران گردید. شهر مزبور در طی مدت صد و پنجاه سال قیافه زشتی بخود گرفت و آنجا که روزی نسیم خوش در باغهای سرسبزش زمزمه میکرد، به بیابانها و شترارهای بی‌آب و علف مبدل شد.

روزی که تیمور تصمیم گرفت پایتخت جدیدی بنام سمرقند بسازد، شهر مزبور دوباره جان گرفت و میتوان گفت که آن روز روز تولد دوم آن شهر بود. سمرقند در مدت بیست الی سی سال تبدیل به مرکز دادوستد و پیشه و هنر گردید و در اطراف شهر دوباره باغهای سرسبزی بوجود آمد.

نویسندگان و شاعران و هنرمندان و دانشمندی چون نظامی، الغییک، لطفی، مولوی، غیاث‌الدین، نوائی، عبدالرزاق سمرقندی، سکاکی و غیره برخوردار میکنند که در عصر خود از افراد برجسته درجهان بوده‌اند.

سمرقند را بدون عراق میتوان شهر موزمبی نام برد. تپه بزرگ و برهنه‌ای که در خارج از شهر قرار دارد، شهر افراسیاب یعنی سلف سمرقند است که تاکنون بدین شکل باقی مانده است. این شهر را تاریخ‌نگاران هم عصر روم باستان دانسته‌اند که بوسیله باستانشناسان از دل خاک بیرون آمده و با فرهنگ و تمدنی در پاترده متری زیر خاک مدفون بوده است. کاشیها، خشت‌ها و خلاصه تمام بقایای شهر افراسیاب نه تنها گنجینه‌ای گرانبها برای باستانشناسان است، بلکه حاکی از داستانهای سده‌ها سال زندگی در آن شهر میباشد.

در کنار دیوارهای این شهر یادگارهای اسکندر مقدونی بچشم می‌خورد و از علائمی که بدست آمده معلوم میشود که اولین

مرگ تیمور باعث مرگ سمرقند نشد. در زمان حکومت الغیبهک، نوه تیمور، در شهر سمرقند بناهای بسیاری ساخته شد که دست کمی از بناهای دوران تیمور نداشت. در زمان الغیبهک مدرسه‌های بسیاری در سمرقند ساخته شد که این شهر را مبدل به مرکز علمی و فرهنگی آسیا ساخت. الغیبهک که خود اهل فضل و دانش بود و به علم عشق میورزید در دوران حکومت خود سعی کرد که تمام دانشمندان و شاعران و نویسندگان را در سمرقند جمع کند و برای این کار ابنیه بسیاری بوجود آورد.

چندی قبل باستانشناسان موفق به کشف رصدخانه الغیبهک شدند که وی در زمان حیات خود ساخته بود و در این رصدخانه بود که خود با تفاق سایر دانشمندان علم نجوم به جستجو و رصد کردن اجرام فلکی و مطالعه در آسمانها میپرداخت. پس از کشف این رصدخانه همگان در شرق و غرب فهمیدند که متفکران آن عصر در این رصدخانه آسمانها را مطالعه میکردند. با آنکه رصدخانه مزبور فاقد دوربین نجومی بود، بنا بدستور الغیبهک جدول ستارگان تدوین گردید که تاکنون نیز دارای اهمیت بسیاری است و هنوز هم ارزش خود را از دست نداده و از آن استفاده و بهره میبرند. رصدخانه مزبور در سالهای ۱۴۲۸ - ۱۴۲۹ م. (۸۳۲ هـ) ساخته شد.

این رصدخانه دارای هفت مناره و سه طبقه بوده که پس از مرگ الغیبهک بدست مردم خرافاتی که ایجاد آن را از گناهان کبیره می‌دانستند ویران گردید، ولی با خاکبرداری باستانشناسان از محوطه و اطراف آن سیمای رصدخانه و بقایای آن نمودار گشت که حاکی از قدرت تفکر انسانی در آن عصر میباشد. در شهر سمرقند همانطوریکه قبلاً گفته شد بغیر از سه مدرسه معروف «الغیبهک» و «شیردر» و «ملاکاری» که در میدان ریگستان قبلی و میدان گلستان کنونی قرار دارد ابنیه تاریخی بسیاری وجود دارد که بسیار حائز اهمیت است.

در شرق میدان ریگستان مسجد «بی بی خانم» قرار دارد که در سالهای ۱۳۰۴ - ۱۳۹۹ م. (۸۰۲ - ۸۰۷ هـ) ساخته شده است. معماران ضمن بررسیها و پژوهشهایی که بعمل آوردند چنین نظر دادند که کلیسای «گوتیک» میلان از نظر نقشه شباهت بسیاری به این بنا دارد و حتی عده‌ای معتقدند که نقشه کلیسای میلان را از روی نقشه مسجد «بی بی خانم» سمرقند گرفته و برپا داشته‌اند. همانطور که عده‌ای معتقدند نقشه میدان «اتوال» پاریس از روی نقشه میدان شاه اصفهان گرفته شده است. این دیگر وظیفه متخصصان فن است که صحت و درستی این موضوع را اعلام دارند.

از دیگر بناهای سمرقند «گورامیر» است که در اوایل قرن ۱۵ و بدستور تیمور برای نوه عزیزش محمد سلطان ساخته شده بود، ولی هنوز ساختمان آن بیابان نرسیده بود که خود

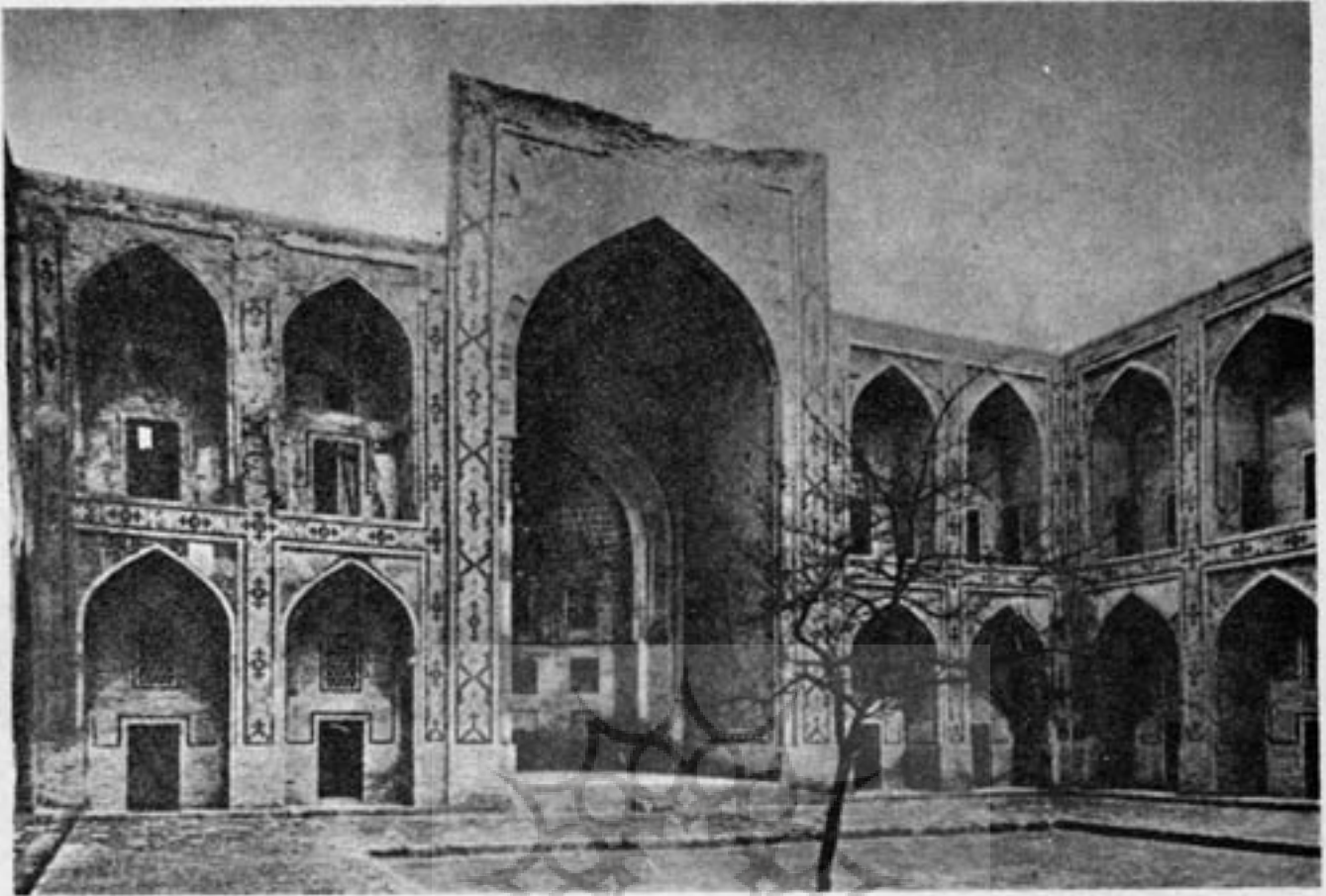
تیمور مرد. بدین ترتیب «گورامیر» تبدیل به آرامگاه تیموریان شد و پس از مرگ الغیبهک، نوه دیگر تیمور، او را نیز در «گورامیر» بخاک سپردند.

«شاه زنده» گورستان عظیم و تاریخی شهر سمرقند است که بناها و معماریها و کاشیکاریها و طلاکاریهای آن نظیر ندارد. در این گورستان مقبره «شاه زنده» قرار دارد که از نظر تکنیک معماری بسیار با اهمیت و گرانبه است و در قرون ۱۵ - ۱۴ (۸ و ۹ هـ) ساخته شده است. در مورد «شاه زنده» روایات مذهبی بسیاری بجای مانده است. باید گفت که شخصیت مذهبی «شاه زنده» قبل از اسلام و در دوران شکوفان شهر افراسیاب نیز وجود داشته است که جای تعمق و مورد بررسی است. پرستش مقبره «شاه زنده» در میان مردم آن دیار چنان رواجی داشته که با وجود دگرگونیها هنوز هم فراموش نشده است.

روایت است که: «لشکر یان ابن عباس پسر عموی پیغمبر (ص) در موقع نماز غافلگیر شدند و همه شان بهلاکت رسیدند و اما خود ابن عباس سر بریده خود را از زمین برداشت، بدست گرفت، بمیان چاه عمیقی رفت و از آنجا وارد بهشت شد و تاکنون در آنجا زندگی میکند و هنوز برنگشته است».

در زمان حکومت تیمور اقوام و خویشاوندان و سرداران او در کنار مقبره «شاه زنده» برای خود آرامگاههای متعددی ساختند. این آرامگاهها بر دیف و در دامنه تپه‌ای قرار گرفته‌اند که هر یک از آنها نشان دهنده هنر معماری مشرق زمین است. در این گورستان آرامگاههای اشخاص مختلفی وجود دارد که خود شایان توجه است. در اینجا آرامگاه دختری گمنام در کنار مقبره شخصی روحانی بنام خواجه احمد قرار دارد. آرامگاه «تومان آغا» زن تیمور در کنار آرامگاه سردار نظامی تیمور واقع شده است. در بالاتر از همه آنها آرامگاه رومی منجم معروف آن عصر قرار گرفته است. رومی دوست نزدیک و همکار الغیبهک بود و از مال دنیا چیزی برای خود نگذاشته بود و خود از خانواده‌ای غیر سرشناس و بی چیز بود. او دانشمند عصر خود بود و از همین روی الغیبهک دستور داد تا آرامگاهش را در دیف آرامگاههای سرداران و سالاران و شاهزادگان تیموری بنا کنند. بفاصله نیم ساعت پیاده روی از میدان «ریگستان» قبلی و «گلستان» کنونی و در نزدیکی گورستان قدیمی ساختمان مخروطی «عشرت خانه» قرار دارد که استیل معماری این بنا نیز درخور اهمیت و مورد بررسی است.

از بناهای دیگر تاریخی شهر سمرقند میتوان «مقبره خواجه عبدی درون» (قرن پانزدهم) (قرن نهم هجری)، «مقبره شادی ملک آقا» (۱۳۷۲) (۷۷۴ هـ)، «مسجد حضرت حضراء» (قرن ۲۰ - ۱۹) (قرن سیزدهم و چهاردهم هجری) را نام برد. سمرقند و بخارا همیشه و حتی در زمان وجود شهر قدیمی



بخارا مدرسه الخریک - ۱۴۱۷ منظره از سمت حیاط



بخارا آرامگاه شاه اسماعیل سامانی

افراسیاب نیز دوشهر رقیب هم بودند. ضمن بررسی تاریخچه شهر بخارا بیشتر نوشته‌های سیاحان چینی جلب توجه می‌کند که این شهر را «بوخو، نومی» نام برده‌اند و این نوشته مربوط به قرن ششم میلادی است. در مورد پیدایش شهر بخارا افسانه‌های بیشماری بدست ما رسیده که در یکی از این افسانه‌ها گفته می‌شود که سیاوش پسر شاه ایران وارد بخارا می‌شود و با دختر پادشاه شهر افراسیاب ازدواج می‌کند و ساختمان «ارگ» معروف مربوط به اوست. یکی از شرقشناسان شوروی «بارتلد» نظر می‌دهد که کلمه بخارا از کلمه سانسکریت «بیخارا» گرفته شده است، ضمن بررسیها و حفاریهای باستانشناسی که در آن منطقه انجام گرفته باستانشناسان نظر می‌دهند که تشکیل این شهر در حدود قرن اول میلادی است و حفاریهایی که انجام گرفته تا به عمق ۲۰ متری بوده است.

در شهر بخارا ابنیه و آثار تاریخی فراوانی بیادگار مانده که نشان‌دهنده هنرهای خلاقه مردم آن عصر می‌باشد و این آثار مربوط به دورانهای مختلف است که از قرون نهم شروع شده و به عصر حاضر می‌رسد. از این رو به بخارا نیز شهرت «شهر موزه آثار معماری مشرق زمین» داده‌اند. طبق آمار که داده‌اند بیش از سی بنای تاریخی در شهر بخارا وجود دارد که همه ساله دولت مبالغ زیادی برای نگهداری آنها صرف می‌نماید. مشکل بتوان گفت که کدامیک از این دوشهر یعنی سمرقند و بخارا قدیمی‌تر هستند ولی این امر جای بررسی دارد. در بعضی از نوشته‌ها آمده است که حکمرانان ترک در قرن ششم میلادی شهر بخارا را پایتخت خود کردند و ساختمان «ارگ» را مقر فرمانروایی خود ساختند. ساختمان این «ارگ» طوری است که دارای زندان، خزانه، دوایر دولتی و غیره بوده که از این ساختمان حکمرانان بر بخارا حکومت می‌کردند.

شهر بخارا در زمان حکومت سامانیان شهری عظیم و پایتخت امپراطوری بزرگی بود. از آثار برجسته عهد سامانیان در شهر بخارا آرامگاه شاه اسمعیل سامانی است که تاکنون بیادگار مانده و جلوه‌گری می‌کند.

بعد از مرگ تیمور بخارا کمی اهمیت خود را از دست داد ولی باز هم بنوبه خود یکی از مراکز مهم آسیای میانه شد. اگر از سمرقند بعنوان یکی از بزرگترین شهرهای معاصر صحبت می‌شود، در عوض بخارا بعنوان شهر بزرگ موزه بیادگار مانده است. گرچه در این شهر آثار و ابنیه تاریخی بزرگی چون «مدرسه شیردر»، «مسجد بی‌بی‌خانم» و «گورستان شاه‌زنده» وجود ندارد، ولی شهر بخارا و تمام آن یادگار فرهنگ و هنر ملت‌های آسیای میانه است و معماریهای آن روزگار را جلوه‌گر می‌سازد.

در قرن دهم میلادی در وسط شهر بخارا «مسجد مرگ» را ساختند که دارای مناره بلند و بزرگی بنام «مناره کلان»

است و تاکنون بیادگار مانده است. این مناره مشرف بر شهر است و در طول صدها سال مؤذن از بالای آن اذان می‌گفت و فرارسیدن صبح را آگاهی می‌داده. از بالای این مناره نواحی سرسبز و جدید، طاقها، قلعه‌ها، گنبدهای زرد رنگ خانه‌های قدیمی، گنبدهای بازارهای سرپوشیده، مناره‌های دارای کلاه‌خود نیلگون و مدرسه‌ها بخوبی دیده می‌شوند.

از ابنیه مهم و تاریخی شهر بخارا بنای «ارگ» که مقر دولتی و حکمرانان شهر بخارا بوده است، آرامگاه شاه اسمعیل سامانی که در قرن ۱۰ - ۹ (۴ هجری) ساخته شده که یکی از ابنیه گرانبهاست، مزار چشم ایوب، مسجد نمازگاه، مناره‌های مسجد قلیان، آرامگاه سیف‌الدین، آرامگاه بویان‌قلی‌خان، مسجد قلیان، مدرسه میری‌عرب، مدرسه کوکلداش، گنبدهای بازار، لب حوض، مدرسه عبدالعزیز‌خان، چهارمنار، مسجد بالاحوض، زندان و سایر ابنیه و آثار تاریخی می‌باشد که بررسی تک تک آنها در این مقاله میسر نیست.

خیابانهای بخارای قدیم باریک و بسیار پیچ در پیچند و به خانه‌های کوتاه منتهی می‌شوند و سپس وارد میدانچه‌هایی می‌شوند که در میان آنها حوضهایی قرار دارند که تصویر سردرهای مختلف در میان آبهای آنها منعکس می‌شوند. کوچه‌های تنگ و باریکی از زیر طاق‌های خنک می‌گذرد و به جاهای بن‌بستی می‌رسد که دیوارهای قلعه عظیم باشند. وقتی که انسان وارد شهر قدیمی بخارا می‌شود، گویی به روزگار قدیم رفته باشد. در بیابانها و صحراهای اطراف شهر تپه‌های مختلفی وجود دارند که هر یک تمدن شهری را پوشانده‌اند، ولی از بالای «مناره کلان» این تپه‌ها دیده نمی‌شوند، زیرا آنها در میان غبار بیابانها و در پشت باغهای سرسبز و محله‌های جدید مسکونی و سایر ابنیه تازه ساز روزگار ما پنهان شده‌اند. این شهر تاریخی که شهر موزه لقب گرفته است، در میان شهر بخارای کنونی زنده مانده و مردم شهر از آن بعنوان قلب باستانی شهر خود حفاظت می‌کنند و باید گفت این دوشهر تاریخی یعنی سمرقند و بخارای قدیم مانع از زندگی جدید ساکنان شهر نیست. دیدن شهری که از دوشهر قدیم و جدید ترکیب یافته خود دنیائی دارد. مثلاً دیدن اتومبیل در مقابل دیوار بلند قلعه، همانجا که جلادان مخالفان دولت را سر می‌زدند، دیدن دخترانی که با پیراهنهای رنگارنگ و کتاب بدست از پای دیوار قلعه عبور می‌کنند و دیدن فیلمبرداران و عکاسان و غیره بسیار جالب است. این همان سمرقند و بخارای مشهور است که این بیت شعر شاعر معروف ایرانی را بیاد می‌آورد:

اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را

بخال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

برای تهیه این مقاله از منابع روسی استفاده شده است.